



اُسْجُدُوا: سجده کنید

پ. قُلْنَا: گفتیم
سَجَدُوا: سجده کردند

ت. اِصْبِرُوا: صبر کنید

۱۴. فَوْق: بالا تَحْتَ: زیر

يَمِين: راست يَسَار: چپ

۱۵. الف. كُنُوز ب. كَوَاكِب / نُجُوم

پ. اوراق ت. اَعْلَام

ث. اَبْصَار ج. اَزْهَار

۱. الف. درست ب. درست

پ. نادرست ت. نادرست

۲. الفَرْج: حَلَّ الصَّعَابِ وَالْمُشْكَلَاتِ

الشَّبَاب: الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ...

الفَرِيق: مَجْمُوعُهُ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ...

الْحَطَب: أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلِإِحْتِرَاقِ

الْجَامِعَةِ: مَكَانٌ لِتَعْلِيمِ الْعَالِي...

۳. الف. آرام ب. برخورد کرد / آتش گرفت

پ. یادآوری کنید ت. لباسهای / بپوشید

۴. گزینه ۳

۵. گزینه ۱

۶. گزینه ۲

۷. گزینه ۱

۸. الف. شَبَاب ب. اَمْطَار

پ. رِيَا ح ت. اَفْرَقَه

ث. زُمَلَاء ج. اَخْشَاب

۹. بَغْتَهُ = فَجَأَهُ (ناگهان) وَقَعَ = حَدَثَ

وَجَدَ (یافت) # فَقَدَ (گم کرد)

۱۰. الف. گزینه ۲ ب. گزینه ۱

پ. گزینه ۱

۱۱. الف. اُنْظُرْنَ ب. اُخْرِجُوا

پ. اُكْتَبَا ت. اِنْزِلُوا

۱۲. الف. عاقل کسی نیست که خوبی و بدی را می شناسید [از هم تشخیص می دهد] بلکه عاقل کسی است که بین دو بدی، بهترینش را می شناسد. [مفهوم: وقتی مجبور شد یکی از دو کار پر ضرر را انتخاب کند، کاری را انتخاب می کند که کمترین ضرر را دارا باشد].

ب. خدای من! ببخش و رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی

[نکته: هرگاه کلمه رَبِّ در ابتدای جمله بیاید وزیر حرف ب حرکت کسره داشته باشد، باید به صورت خدای من ترجمه شود].

پ. کار نیک انجام دهید. همانا من به آنچه انجام میدهید، آگاهم.

۱۳. الف. ظَلَمْتُ: ستم کردم ب. اِغْفِرْ: ببخش

ب. قَالَ: گفت اِذْهَبَا: بروید